




نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

صفحات: ۴۵-۵۵

10.52547/mmi.2439.1 

تاریخ‌نگاری هنر و شیوه مطالعه ابنیه در مطلع الشمس*

لیلا غفاری* امیر مازیار**

چکیده

محمدحسن اعتمادالسلطنه ملقب به صنیع‌الدوله، از مورخان عصر ناصری است که رویکردی نوین در نگارش تاریخ عمومی و جغرافیا داشته است. او با انجام پژوهش‌هایی درباره ابنیه تاریخی و آثار باستانی ایران، و ثبت و ضبط ماحصل آن‌ها در تألیفاتش، در حوزه تاریخ‌نگاری هنر ایران نیز نقشی بسزا داشته است. از جمله مکتوبات او که در حوزه مطالعات تاریخی ابنیه و آثار معماری ایران به نگارش در آمده، مجموعه سه جلدی مطلع الشمس است که در پژوهش حاضر، بررسی شده است. هدف از این پژوهش، شناخت شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر ایران نزد اعتمادالسلطنه و چگونگی مطالعه ابنیه تاریخی و آثار معماری مشهد در این کتاب بوده است. این پژوهش با راهبرد کیفی و به شیوه تفسیری-تاریخی، انجام شده است. براساس نتایج به دست آمده، اعتمادالسلطنه در این کتاب در راستای نگارش تاریخچه شکل‌گیری شهر مشهد و شناخت جغرافیای آن، بیش از همه بر رسانه معماری و هنرهای وابسته به آن، متمرکز بوده است. او در مورد بخش‌های مختلف حرم رضوی، سایر ابنیه، و مساجد مشهد به شرح کلیاتی در رابطه با اجزای بنا، ویژگی‌های معماری گونه و مخصوصاً کتیبه‌ها و محتوای مندرج در آن‌ها، پرداخته است. همچنین با بررسی شیوه مطالعه ابنیه در این کتاب مشخص شد که اعتمادالسلطنه رویکردی تاریخ‌مند اتخاذ نموده، و بیش از هر چیز در پی استخراج و مستند کردن پیشینه بناها و اطلاعات تاریخی مستتر در کتیبه‌های آن‌ها بوده است. چنان‌که وجوه هنرهای بصری اعم از طرح، نقش، و رنگ کاشی‌کاری‌ها و یا نقوش منبت‌کاری شده در الحاقات بنا همچون منبر مساجد برای او، در مرتبه بعدی اهمیت قرار داشته است. در واقع مؤلف به بنا و کتیبه‌های آن به منزله اسناد و مدارکی مصور که دربردارنده اطلاعات تاریخی اماکن مشهد هستند، نگریسته است. در همین راستا، کتیبه‌ها اصلی‌ترین منبع تاریخ‌نگاری هنر ایران نزد او در این کتاب بوده است.

۴۵

واژگان کلیدی: ابنیه تاریخی، معماری ایران، تاریخ‌نگاری هنر ایران، اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس.

* این مقاله، برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "آگاهی تاریخی از هنر در متون تاریخی و جغرافیایی عصر ناصری" به راهنمایی نویسنده دوم است که در سال ۱۴۰۳ در دانشگاه هنر ایران به انجام رسیده است.

** دانش‌آموخته دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

ghaffari_L2@yahoo.com

*** استادیار، گروه فلسفه هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران، تهران.



مقدمه

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه^۱ ملقب به صنیع‌الدوله، از نخستین مورخانی بود که در عصر ناصری بنابر شیوه‌ای نو، به بازنگاری تاریخ قدیم ایران پرداخت. تألیفات او جزء تاریخ‌نگاری^۲ نوین شمرده می‌شوند. گرایش او به پژوهش‌های تاریخی و جغرافیایی تحت حمایت شخص ناصرالدین‌شاه، سبب تألیف و ترجمه آثاری ارزشمند در حیطه تاریخ عمومی، جغرافیا، و تاریخ محلی^۳ در طی دوران ریاستش در دارالترجمه همایونی و وزارت انطباعات ایران شده است؛ همچنان که به جهت بر عهده داشتن سمت ریاست روزنامه رسمی، به انتشار مطالبی گوناگون در زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، و هنری در مطبوعات آن زمان مبادرت ورزیده است. او در روزنامه ایران که مدیریت آن را طی سال‌های ۱۳۱۳-۱۲۸۸ ه.ق. عهده‌دار بوده است،^۴ به شرح اوضاع جغرافیایی، وقف‌نامه‌های اماکن مقدس و کتیبه‌های برجای‌مانده در بناهای قدیمی نیز پرداخته است (کیان فر، ۱۳۸۸: ۲۹۲). به‌گونه‌ای که این نوشتارها به‌همراه اشارات و تفصیلات در رابطه با ابنیه و آثار تاریخی و هنری در تألیفاتش، در زمره نخستین تلاش‌های علمی، گرچه غیرنظام‌مند در زمینه تاریخ‌نگاری هنر ایران، محسوب می‌شوند.

اما در میان مکتوبات اعتمادالسلطنه، او در مطلع‌الشمس یا تاریخ ارض اقدس، بیش از دیگر آثارش به شرح و توصیف در باب ابنیه تاریخی و عمارات ایران، و به‌طور خاص شهر مشهد پرداخته است. در واقع مطلع‌الشمس، جلد سوم از مجموعه مرآةالبلدان^۵ و به‌عبارتی تتمه آن است. اعتمادالسلطنه در مجموعه مذکور با الگو گرفتن از معجم‌البلدان^۶ اطلاعات جغرافیایی و مردم‌نگاری شهرها و روستاهای ایران را برحسب حروف الفبا شرح داده است. چنان‌که تا پایان حرف "ج" پیش رفته، و ادامه را با حرف "خ" و جغرافیای خراسان در این کتاب، یعنی مطلع‌الشمس ارائه نموده است. این مجموعه که ماحصل سفر او در سال ۱۳۰۰ ه.ق. در التزام ناصرالدین‌شاه به خراسان است، شامل سه جلد می‌شود: جلد اول دربرگیرنده اطلاعات شهرها و روستاهای مسیر رفت از دارالخلافه، تهران، به مشهد است که در سال ۱۳۰۱ ه.ق. به پایان رسیده است. جلد دوم، مشتمل بر تاریخچه شکل‌گیری شهر مشهد و شناخت جغرافیای آن، توصیف ابنیه تاریخی و شرح احوال بزرگان و خوش‌نویسان این بلاد بوده که در سال ۱۳۰۲ ه.ق. نوشته شده است. نهایتاً جلد سوم به اطلاعات شهرها و روستاهای مسیر برگشت به سمت تهران پرداخته، و در سال ۱۳۰۳ ه.ق. پایان یافته است. وجه تسمیه این مجموعه، وجود بارگاه امام رضا (ع) در خاک خراسان است.

سبب تألیف این اثر از منظر اعتمادالسلطنه، اهمیت مطالعه و بررسی جغرافیای مشهد، و پرداخته نشدن به آن در متون جغرافیایی ماقبل چنان‌که شایسته و بایسته آن بود، ذکر شده است. به گفته مؤلف به سبب ممنوعیت ورود افراد غیرمسلمان به اماکن مقدسه به‌خصوص حرم امام رضا (ع)، در نگاشته‌های سیاحان و پژوهشگران اروپایی، در باب این شهر و ابنیه تاریخی آن حق مطلب ادا نشده است. در چنین وضعی، اعتمادالسلطنه جهت خروج از بی‌خبری، بر خورداری از آگاهی و فراموش نشدن اطلاعات گذشتگان، نگارش و ثبت مطالب را در آثاری چون این کتاب، لازم و ضروری دانسته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۵-۲).

بر مبنای مطالب مندرج در هر یک از سه مجلد این مجموعه، انتظار می‌رود که اطلاعات قابل تأملی در زمینه تاریخ‌نگاری هنر ایران، همچنین مصادیق موجود در رابطه با شیوه مطالعه ابنیه تاریخی، و آثار معماری شهر مشهد نزد اعتمادالسلطنه در جلد دوم از مطلع‌الشمس قرار داشته باشد. چراکه مولف در این مجلد کلیه شروح مورخان و مولفان پیش از خود را درباره آثار معماری و بناهای مشهد، گردآوری کرده است. سپس آن‌ها را به‌همراه اطلاعات حاصل از آنچه در سفرش با ناصرالدین‌شاه به ارض خراسان به "رای‌العین" دیده، به نگارش در آورده است. او در پایان این جلد، به بخشی از زندگی بزرگان دینی و خوش‌نویسان شهر اشاره نموده است/ او در پایان این جلد، زندگی‌نامه برخی از بزرگان دینی و خوش‌نویسان شهر را آورده است. فهرستی مفصل از کتب موجود در کتابخانه حرم رضوی را نیز ضمیمه کرده است؛^۷ همچنان که نقشه‌ای از حرم امام رضا (ع)، رواق‌ها، صحن‌ها، و برخی از ابنیه متصل به آن را بر مبنای مقیاس ذرع^۸ در انتها، آورده است.

در این پژوهش، با تمرکز بر مطالب جلد دوم از مجموعه مطلع‌الشمس، شیوه‌ها و منابع تاریخ‌نگاری هنر ایران که اعتمادالسلطنه در این کتاب مد نظر داشت، مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، دیدگاه او نسبت به بنا و اهمیت کتیبه‌ها در استخراج اطلاعات تاریخی در باب پیشینه آثار معماری و ابنیه ارزیابی گردید. به چگونگی مطالعه ابنیه تاریخی و آثار معماری شهر مشهد نزد مؤلف نیز پرداخته می‌شود. لذا پیش از هر چیز پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با این کتاب، در بخش پیشینه پژوهش ارائه شده است.

پیشینه تحقیق

بر پایه مرور پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با مجموعه مطلع‌الشمس، تحقیقی که به بررسی مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری



به مطلع الشمس تحت عنوان تنمۀ مرآه البلدان اشاره کرده است. صالحی، این مجموعه را همچون دایره المعارفی عظیم می‌داند که به لحاظ بر خور داری از اطلاعات گسترده در باب جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، و هنر اهمیتی خاص دارد (صالحی، ۱۳۸۰: ۳۳). در نهایت، رمضانعلی شاکری در "منابع و مأخذ مشهد و طوس" که در پاییز ۱۳۶۱ تألیف کرد، در دو بخش "کتب و رسالات"، و "مقالات و دست‌نویس‌ها" به فهرست نمودن، و معرفی مدارک، منابع و مأخذ تاریخی مرتبط با شهر مشهد پرداخته است. چنان‌که در بخش "کتب و رسالات" ذیل نام "صنیع الدوله، محمدحسن خان" به معرفی مجموعه مطلع الشمس و اشاره به منابع تاریخی و جغرافیایی مورد استفاده مؤلف در نگارش آن، اقدام کرده است (شاکری، ۱۳۶۱: ۲۱۵-۲۱۴).

با توجه به پژوهش‌های فوق‌الذکر آنچه در رابطه با این مجموعه در دست است، صرفاً در حیطه تاریخ‌نگاری محلی و کتاب‌شناسی‌های توصیفی است؛ همچنین فارغ از هرگونه تجزیه و تحلیل در زمینه هنر ایران و شیوه تاریخ‌نویسی آن است. پس این پژوهش با ارزیابی چگونگی مطالعه آثار معماری و ابنیه تاریخی شهر مشهد نزد اعتمادالسلطنه، می‌تواند به شناخته شدن این مجموعه به‌عنوان منبعی غنی از اطلاعات تاریخ هنری کمک کند، و گامی در جهت معرفی مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری هنر ایران در این اثر، بر دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش در پارادایمی تفسیری، با راهبردی کیفی و به شیوه‌ای تفسیری-تاریخی، مجلد دوم از مجموعه سه جلدی مطلع الشمس تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، با مقدمه و فهرست محمد پیمان از انتشارات پیشگام چاپ سال ۱۳۶۲ ه.ش. مورد مرور و بررسی قرار گرفته است. این پژوهش متن‌محور است. در جهت بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر ایران نزد اعتمادالسلطنه، و نحوه مطالعه ابنیه تاریخی و آثار معماری شهر مشهد از سوی او در این اثر، مصادیق موجود در متن کتاب تجزیه و تحلیل شده است. گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و با یادداشت برداری صورت گرفته است.

تاریخ‌نگاری هنر ایران و منابع آن در مطلع الشمس

از حیث شیوه نگارش تاریخ در جلد دوم از مجموعه مطلع الشمس، می‌توان گفت اعتمادالسلطنه با انکا به منابع و مکتوبات تاریخی و جغرافیایی و نیز سیاحت‌نامه‌های پیش از خود اعم از عربی، فارسی، ترکی، هندی، و اروپایی سعی کرده است که از آغاز تا زمان معاصر خویش، هر آنچه

هنر ایران در این اثر، همچنین شناسایی روش مطالعه ابنیه تاریخی، و آثار معماری مندرج در آن پرداخته باشد، انجام نشده است. البته در برخی از کتاب‌شناسی‌ها، خصوصاً پژوهش‌های تاریخ‌نگاری محلی که در رابطه با جغرافیای خراسان صورت گرفته، اشاراتی به این اثر شده است. در ادامه، به اختصار به اهم آن‌ها پرداخته می‌شود.

"بررسی شاخصه‌های نوین تاریخ‌نگاری محلی در آثار اعتمادالسلطنه" مقاله‌ای است که منصوربخت، عبادی جامخانه، و شعبانی سال ۱۳۹۷ تألیف کردند. آن‌ها با روشی توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهند که تاریخ‌نگاری محلی در بُعد عرضی، از خصوصیات بارز تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه بوده است. براساس یافته‌های این پژوهش، مؤلف در مطلع الشمس ترکیبی از تاریخ‌نگاری را در بُعد طولی و عرضی به کار گرفته است. همچنان که منابع تحقیقاتی او در نگارش این اثر از تنوع قابل تاملی برخوردار بوده؛ فرمان‌ها، وقف‌نامه‌ها، کتیبه‌ها، سکه‌ها، نقوش، قلاع، و ابنیه تاریخی و مهرها را در بر گرفته است (منصوربخت و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۵-۲۴۴). عبدالمهدی رجائی نوشتاری تحت‌عنوان "معرفی آثار شهرنگاری ایالت خراسان در دوره قاجار" را در بهار ۱۳۹۴ تألیف کرده است. او در پی بررسی منابع مهم تاریخی مرتبط با خراسان، از منظری توصیفی، به معرفی مطلع الشمس پرداخته است. رجائی، بر این باور است که اگرچه اطلاعات ارائه‌شده در رابطه با فیروزکوه و شهرهای شمالی ایران در دیگر منابع نیز موجود است، اما نکات مرتبط با خراسان کاملاً بدیع است و مؤلف توانسته است تصویری جامع و کامل از مشهد را در سال ۱۳۰۰ ه.ق. به دست دهد (رجائی، ۱۳۹۴: ۲۴۵).

پژوهشی دیگر را مرتضی نورائی و عبدالمهدی رجائی با عنوان "تنوع موضوعات در تاریخ‌نگاری محلی؛ دوره تحقیق قاجار (۱۳۴۴-۱۲۱۰ ق/۱۹۲۶-۱۷۹۶ م" در زمستان ۱۳۹۰ تألیف کردند. آن‌ها در پژوهش خود کوشیدند تا با مراجعه به منابع تاریخ محلی قاجار، به‌عنوان یکی از اعصار شکوفایی این نوع تاریخ‌نگاری در قالب سنت پیشامدرن، موضوعات متنوع این کتب را استخراج، و دسته‌بندی نمایند. در این پژوهش از مطلع الشمس به‌عنوان بزرگ‌ترین تاریخ محلی ایالت خراسان نام برده شده است. این کتاب، ذیل دسته‌بندی‌های "حوزه امنیت و فضا" و نیز "حوزه شهری و شهرسازی" قرار گرفته، و ارجاعاتی هم به آن داده شده است (نورائی و رجائی، ۱۳۹۰: ۵۱، ۶۳، ۶۹). "کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ‌های محلی (منابع و متون)" به قلم نصرالله صالحی، در سال ۱۳۸۰ منتشر شد. در این منبع، نویسنده ضمن اشاره به تاریخ تاریخ‌نگاری محلی و ارائه تقسیم‌بندی‌های آن، ذیل "تألیفات قرن سیزدهم"



در باره تاریخچه شکل‌گیری شهر مشهد نوشته شده است، به تفصیل بیاورد. سپس به ذکر یافته‌های خویش براساس دیده‌ها و بررسی‌های انجام‌شده طی سفرش به خراسان پرداخته است. او در بیان قول هر شخص با اشاره به نام کتاب، سال نگارش یا احیاناً زمان سفر آن فرد به ایران و سیاحت شهر مشهد، شماره جلد کتاب، شماره صفحه و آوردن عین کلام به فارسی یا عربی، اصول ارجاع‌دهی به منابع را به درستی رعایت کرده است.^۹ اعتمادالسلطنه در مواردی به اصلاح برخی از اشتباهات تاریخی پرداخته،^{۱۰} و از آوردن مطالب تکراری پرهیز نموده است.^{۱۱} به علاوه بخش‌هایی از اشعار کتیبه‌ها را که به واسطه استفاده زیاد، گذر زمان یا قرار داشتن در محل نامناسب قابل استخراج نبوده‌اند، به متن کتاب اضافه کرده است.^{۱۲} در پاره‌ای از موارد هم درجهت تکمیل محتوای کتیبه‌ها به هنگام فقدان برخی تاریخ‌ها، شخصاً با استفاده از منابع تاریخی معتبر، این نقصان را جبران کرده است.^{۱۳} در رابطه با منابع و مآخذ مورد استفاده اعتمادالسلطنه در این کتاب، باید گفت که او کارش را با شروح علمای عرب همچون اصطخری،^{۱۴} ابوالقاسم بن حوقل،^{۱۵} قزوینی،^{۱۶} و یاقوت حموی آغاز کرده،^{۱۷} و نقل قول‌های این اشخاص را براساس تقدم و تأخر زمانی آورده است. مؤلف به نوشته‌های سیاحی چون موسیو فرزر نیز ارجاع داده است. این سیاح، شرح نسبتاً مبسوطی در باب مشهد نگاشته، و در حد بضاعت آن دوران، به مردم‌نگاری و تاریخ اجتماعی و فرهنگی مشهد در عصر فتحعلی شاه پرداخته است.^{۱۸} اعتمادالسلطنه به دکتر ارل ریتر آلمانی که معلم دارالفنون برلن و از اعضای آکادمی علمی بوده، و جغرافیای ایران را به زبان آلمانی نوشته، نیز اشاره کرده است. مرجع دیگر اعتمادالسلطنه موسیو خانیکوف^{۱۹} است. خانیکوف در کتابش در رابطه با جغرافیا، سفرنامه‌ها و مطالب کشف شده از سوی سیاحان را نیز، آورده است.^{۲۰} مؤلف در حاشیه کتاب هم ارجاعاتی ذکر کرده است. از آن جمله شرحی از حافظ ابرو^{۲۱} در باب مشهد است. او در این شرح، به وصف مسجد گوهرشاد با استفاده از تشبیهات ادبی پرداخته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰-۴۹). چه بسا مقصود اعتمادالسلطنه از آوردن این مطلب، ارجاع به منبعی هم‌دوره با بانی این مسجد یعنی گوهرشاد آغا همسر شاهرخ، پسر تیمور لنگ بوده است.^{۲۲}

ارائه مطالب با بهره‌گیری از اقوال علمای گذشته این ایده را در ذهن تقویت می‌کند که اولاً، اعتمادالسلطنه می‌خواسته به شیوه مرآه‌البلدان این کتاب را نیز ادامه دهد؛ ثانیاً، او بر آن بوده تا از روش علمی مرسوم در آن زمان و رایج میان مورخان معاصرش الگو بگیرد.^{۲۳} اگر چه با آثار بزرگ تاریخ

جهان آشنا بوده و بسیاری از آن‌ها را در کتابخانه‌اش در اختیار داشته است.^{۲۴} می‌توان پنداشت که هدف دیگر مؤلف از آوردن اقوال دیگر علما، مطابق آنچه در دیباچه این مجموعه نیز ذکر کرده، تلاش برای حفظ اطلاعات در گذر زمان بوده است. به علاوه این احتمال وجود دارد که برخی از این قول‌ها را به دلیل اعتبار مؤلفین آن‌ها در تأیید نوشته‌های خودش که بعد از نقل قول‌ها آورده، ذکر کرده باشد.

در ادامه اعتمادالسلطنه نگارش شرح مبتنی بر تحقیقات شخصی خویش را در باب مشهد با ذکر چگونگی شکل‌گیری روضه مقدس امام رضا (ع)، آغاز نموده است. او به ذکر روایات مختلف رایج در این رابطه پرداخته، و صحت و سقم آن‌ها را با توجه به منابع مکتوب مستدل بررسی کرده است؛^{۲۵} همچنان که تحلیل‌هایی تاریخی انجام داده و نتیجه‌گیری‌هایی بر پایه تطابق‌های زمانی آثار تاریخی با دوران سلطنت شاهان ارائه نموده است.^{۲۶} اما آنچه در رابطه با شروح شخص اعتمادالسلطنه درباره بخش‌های مختلف ابنیه مشهد حائز اهمیت است، این‌که او توجهی خاص به ثبت و ضبط محتوای نگاشته شده در کتیبه‌ها، وقف‌نامه‌ها، و فرمان‌ها در این کتاب داشته است. به عنوان نمونه اعتمادالسلطنه به نقل از موسیو خانیکوف، فهرست وقف‌نامه‌های اوقاف روضه مقدس را به‌طور مختصر و صرفاً با ذکر تعداد و این‌که در زمان کدام پادشاه بوده‌اند، آورده است (همان: ۳۷، ۴۴-۴۲). این در حالی است که بعدتر و بر پایه تحقیقات خود، متن وقف‌نامه‌ها را نیز با جزئیات نگاشته است. لذا این فرصت را برای خواننده فراهم آورده تا مقایسه‌ای میان میزان دقت و نکته‌سنجی او و خانیکوف انجام دهد و همچنین خواننده بتواند قدر و منزلت کتاب حاضر و به تبع، تلاش مؤلف را در امر تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات دست اول جهت نگارش جغرافیای مشهد، بهتر درک کند.^{۲۷}

براساس مطالب مندرج در مطلع الشمس، رسانه هنری اصلی مورد توجه اعتمادالسلطنه، معماری و هنرهای وابسته به آن همچون کتیبه‌نویسی بوده است. چنان‌که بیشترین اهتمام را در این اثر، درجهت استخراج اطلاعات تاریخی از ابنیه و اجزای آن خصوصاً کتیبه‌ها داشته است. لذا در ادامه، با جزئیات بیشتر به نقش کتیبه‌ها در روند مطالعه ابنیه و عمارات شهر مشهد نزد مؤلف، پرداخته می‌شود.

ابنیه تاریخی ایران به روایت کتیبه‌ها

اعتمادالسلطنه در مطلع الشمس، بیش از هر چیز تلاش کرده تا متون نگارش‌یافته در کتیبه‌ها را عین‌به‌عین مستند کند و در اختیار آیندگان قرار دهد. احتمالاً منشأ درک ضرورت



شیوه بررسی و مطالعه ابنیه تاریخی در مطلع الشمس

در زمینه بررسی ابنیه تاریخی ایران و به‌طور خاص بناهای مشهد در ادوار مختلف، شیوه‌های مطالعاتی یکسان نبوده است. چنان‌که برنارد اوپکن^{۲۰} در دوران معاصر در کتاب خود با عنوان معماری تیموری در خراسان، با انتخاب یک دوره زمانی به‌خصوص و استفاده از نگرش عرضی در مطالعه تاریخ محلی، به بررسی ابنیه خراسان پرداخته است. بدین منظور ابتدا خراسان عصر تیموری را از وجوه جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توصیف کرده، سپس ابنیه آن را براساس نقش و کاربرد بنا در زندگی اجتماعی انسان ذیل دسته‌های "اقامتگاه‌های سلطنتی، بناهای اعیانی، استحکامات، سدها و کانال‌ها، آب‌انبارها و حمام‌ها، بازارها، پل‌ها، کاروان‌سراها، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مساجد، مصلی‌ها، مدارس، خانقاه‌ها، آرامگاه‌ها و بناهای مشترک"، اجمالاً معرفی کرده است. "روش‌های ساخت بنا و مواد یا مصالح" وجه دیگری است که او کین از آن منظر به ابنیه خراسان پرداخته است. چنان‌که تشریح مؤلفه‌هایی چون "نقشه کف، ابزارهای ساختمانی، مصالح، طاق‌بندی، مقرنس‌ها و گنبدها" را در این رابطه مد نظر داشته است. در بخش تزئین نیز به مصالحی چون خشت و سنگ، رسانه‌های نقاشی و کاشی‌کاری، و موضوعات مورد استفاده در ابنیه اشاره کرده است. او کین بر بُعد حمایت اقشار مختلف جامعه از هنر و نقش این مهم در پیدایش آثار معماری و ابنیه خراسان تأمل کرده، و طیف‌های حامیان را شامل "سلاطین، زنان خانواده سلطنتی، شاهزادگان، امیران و وزیران و گروه‌های مذهبی" دانسته است (او کین، ۱۳۸۶: ۱۸۲-۱۷). در واقع مؤلف در این کتاب، با مقوله معماری ابنیه از وجوهی مختلف مواجه شده، و ابعاد متفاوت آن را با نکته‌سنجی ارزیابی کرده است. می‌توان گفت که او به مقتضای رویکردهای هنری معاصر، نسبت به خلق آثار معماری و ابنیه، دیدگاهی فرایند-محور داشته، و صرفاً به اثر نهایی و ویژگی‌های ظاهری آن نپرداخته است. البته این امر دور از انتظار نیست؛ چراکه این کتاب درباره معماری است و او کین در عنوان هم علاوه بر مشخص نمودن بازه زمانی و جغرافیایی، مستقیماً به موضوع اشاره کرده است.

برخلاف او کین اعتمادالسلطنه در شرح بناهای مشهد، به تعیین معیاری برای مطالعه دقیق یا دسته‌بندی ابنیه براساس ویژگی‌های مشترک همانند مصالح به کاررفته یا ابزار ساخت، نپرداخته است. چنان‌که در توصیف ابنیه حرم امام رضا (ع)، ابتدا از موقعیت مکانی آن در مرکز شهر سخن گفته، و تنها به مربع بودن پلان اشاره کرده است. در ادامه نیز ابنیه ضمیمه بنای اصلی، موقعیت مکانی صحن‌ها، و نحوه ورود و خروج

ثبت بی‌کم و کاست محتوای کتیبه‌ها از سوی مؤلف، رویکرد امانت‌داری او در نگارش تاریخ در مقام یک مورخ نوین ایران است. چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد احتمالاً کتیبه‌ها از منظر اعتمادالسلطنه همچون کتب تاریخی بوده‌اند که اطلاعات مرتبط با پیشینه ابنیه در آن‌ها، مستتر بوده است. به همین سبب نیز بر آن شده است تا علاوه بر استخراج اطلاعات تاریخی، متون نگاشته‌شده در آن‌ها را عیناً حتی به زبان عربی، در این کتاب درج نماید. او ذیل عنوان "صورت کتیبه‌های حرم مطهر"، فهرستی از کتیبه‌های بخش‌های مختلف حرم امام رضا (ع) را به همراه اطلاعاتی شامل متن کتیبه، محل دقیق قرارگیری، نوع خط و بعضاً اندازه قلم، قدمت، نام بانی و نام هنرمند سازنده یا خوش‌نویس را آورده است. همچنین در بخش‌هایی از یک کتیبه اگر خوش‌نویسان متعدد شرکت داشته‌اند، نوشته هریک را از دیگری تفکیک کرده است.^{۲۸} او به جنس ماده‌ای که کتیبه بر آن شکل گرفته، اعم از کاشی معرق یا سنگ مرمر نیز، توجه نموده است. همان‌طور که در رابطه با کتیبه‌های مساجد از جمله مسجدشاه، علاوه بر نوع خط خوش‌نویسی کلیاتی را در باب رنگ، جنس، اندازه، و شکل هندسی کاشی‌ها به همراه عین متن نگاشته‌شده در آن‌ها نیز ذکر کرده است. مؤلف به نقل از موسیو خانیکوف علاوه بر تاریخ ساخت مسجدشاه، نام معمار آن "احمد پسر شمس‌الدین محمد معمار تبریزی" را نیز براساس کتیبه بالای ایوان آورده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۴۵-۲۴۴، ۴۴). در اینجا می‌توان اهمیت یافتن نقش هنرمند سازنده به تدریج، و ضرورت ثبت نام او را در کتیبه‌های بناهای شهری مشاهده نمود؛ اگرچه در بناهای حرم امام رضا (ع) معمولاً بنیان پادشاهان بوده‌اند و در کتیبه‌ها نیز اغلب به نام آن‌ها اشاره شده است.

همچنین اعتمادالسلطنه علاوه بر ذکر عین به عین محتوای کتیبه‌ها، بنا بر اهتمام همیشگی اش بر نگارش و ثبت اطلاعات موثق و صحیح در تألیفات خویش، در این کتاب نیز در مواردی به تصحیح اطلاعات مندرج در کتیبه‌ها پرداخته است.^{۲۹} لذا رویکرد او در نگارش تاریخ صرفاً توصیفی و وقایع‌نگاری نبوده است. با این وصف می‌توان ادعا کرد که کتیبه‌های ابنیه حرم رضوی و دیگر اماکن شهر مشهد، نزد مؤلف اصلی‌ترین منبع تاریخ‌نگاری هنر ایران در کتاب حاضر بوده‌اند. از آنجاکه عمده تمرکز این پژوهش بر ارزیابی چگونگی مطالعه ابنیه و عمارات مشهد، بررسی نحوه توصیف مؤلفه‌های بصری، و استخراج اطلاعات تاریخی از آن‌ها به دست اعتمادالسلطنه است، در بخش پایانی این نوشتار به تشریح دقیق‌تر این امر پرداخته می‌شود.



به حرم را از جهات مختلف ذکر نموده است. او به حامیان آثار و ابنیه اشاراتی کلی کرده است؛ بیش از همه به شخص ناصرالدین شاه و درباریان او توجه داشته است.

در واقع اعتمادالسلطنه در حدّ بضاعت زمانه خود کیفیات ساخت، ذوق و سلیقه هنری به کاررفته در اجرای تزیینات و انواع مصالح استفاده شده در ابنیه را مد نظر قرار داده است. او در بخش "جغرافیای شهر مشهد مقدس"، اماکن شهری را از کل به جز دسته‌بندی کرده است. ذیل شکل باروی شهر و ابعاد ش، اسامی دروازه‌های مشهد، ارگ حکومتی و اجزا، محلات، کوچه‌ها و گذرها، حمام‌ها و کاروان‌سراها، کلیاتی را در باب هریک شرح داده است. هرچند با توجه به عقیده صاحب‌نظران مبنی بر قرار گرفتن مطلع‌الشمس در شمار تواریخ محلی و توجه این‌گونه از تاریخ‌نگاری به تمام اقسام بناهای شهری اعم از میادین، معابر، خیابان‌ها و منازل، مؤلف به موارد اخیر در حد اشاراتی بسیار جزئی بسنده نموده است. این احتمال وجود دارد که اعتمادالسلطنه به سبب آگاهی از جایگاه تاریخی ابنیه حرم امام رضا (ع) و مساجد به نام مشهد به عنوان محمل نمایش توجهات شاهان و درباریان ایران به لحاظ اهدای موقوفات و هدایای نفیس تاریخی و هنری، به تشریح مفصل‌تر مؤلفه‌های تاریخی معماری و تزیینات این مکان‌ها نسبت به دیگر بناهای شهری همچون منازل و معابر، پرداخته است. همچنان که احتمالاً او در مقام مورخی نزدیک به مرکز قدرت و پادشاه، تأمل در این مکان‌ها و موقوفات حاضر در آن‌ها را جهت ثبت و مستندسازی در تاریخ برای آیندگان به عنوان دستاوردها و خدمات فرهنگی، هنری و اجتماعی شاهان خصوصاً پادشاهان قاجار و شخص ناصرالدین‌شاه، مد نظر داشته است.

این موضوع از منظری دیگر نیز قابل بررسی است؛ به نظر می‌رسد اعتمادالسلطنه در مطلع‌الشمس بیش از توجه به ابنیه و آثار معماری به عنوان آثار هنری و مطالعه مؤلفه‌های مرتبط با جنبه‌های بصری آن‌ها، نگاهی تاریخ‌نگارانه داشته است. او در پی ثبت وضبط اسامی حامیان، اهداکنندگان و در مواردی هنرمندان خالق این آثار در این کتاب، به منزله اسنادی تاریخی بوده است. این موضوع به نوعی پذیرفتنی است، چراکه او مورخ بوده و بنا از منظر او همانند کتب تاریخی حاوی اطلاعاتی در رابطه با پیشینه و تاریخچه شکل‌گیری و حیات اماکن بوده است. این در حالی است که آندره گدار،^{۳۱} باستان‌شناس و معمار فرانسوی که حدود ۵۰ سال پس از انتشار مطلع‌الشمس به ایران سفر کرده و از آثار تاریخی و معماری آن دیدار نموده است، در نگارش مجموعه کتاب خود با عنوان آثار ایران، در فهرست کردن آثار تاریخی و هنری نیز رویکردی اثر-محور داشته است. همان‌گونه که از نام کتابش

نیز مشهود است، مبنای دسته‌بندی خود را ابنیه تاریخی، بناها، و دیگر آثار هنری^{۳۲} قرار داده است. او در بخش دوم از جلد دوم از این مجموعه، به طور خاص به خراسان پرداخته است. در واقع گدار با گزینش آثار و عمارات، مجال بیشتری برای شرح جزئیات و ویژگی‌های معماری و تاریخی ابنیه برای خویش قائل شده است. همچنین در رابطه با آثار تاریخی از جمله "رباط شرف" به همراه ارائه مطالب در باب هریک از اجزای بنا و تشریح مؤلفه‌های تزیینی آن، از نماهای مختلف بنا تصاویری را آورده است (گدار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۴۱-۱۷۶). این تصاویر، جزئیات معماری و تزیینات بنا اعم از اجرکاری و کتیبه‌ها را پیش چشم مخاطب به تصویر می‌کشند. گدار در مقام یک باستان‌شناس در این کتاب رویکردی عینیت‌گرا به آثار تاریخی و نگارش تاریخ هنر داشته است. این دیدگاه، از مؤلفه‌های اصلی باستان‌شناسی و رویکرد علمی به مطالعه تاریخ هنر است که از دوران یوهان وینکلمان،^{۳۳} مورخ هنر آلمانی در قرن هجدهم میلادی در حوزه تاریخ هنر و باستان‌شناسی مد نظر قرار گرفته است.

اعتمادالسلطنه برخلاف گدار در بررسی ابنیه تاریخی مشهد، فقط به برخی از اجزای بنا همچون "در" توجهی ویژه داشته است. چنان‌که به کرات از درهای بخش‌های مختلف حرم رضوی سخن گفته، و به شرح جزئیات تزیینی آن‌ها پرداخته است. دلیل این رفتار او می‌تواند توجه خاص شاهان و بزرگان دولت به اهدا و ساخت درهایی نفیس و قیمتی از جنس طلا و نقره، و مرصع به جواهر برای ابنیه حرم رضوی و مساجد مشهد باشد. آن‌چنان‌که مؤلف در بخشی مجزا تحت عنوان "ذکر ابواب روضه مقدسه و اروقه مبارکه" با ارائه فهرستی از درهای حرم، اطلاعات و مشخصات هریک مشتمل بر جنس، موقعیت مکانی، نام اهداکننده یا بانی و نیز متن کتیبه‌ها آورد ه است. متن کتیبه‌ها، شامل آیات و یا اطلاعاتی تاریخی در رابطه با زمان ساخت و اهدای "در" مربوطه می‌باشد. او در رابطه با بعضی از درها همچون در نقره‌ای اهدائی انیس‌الدوله همسر ناصرالدین‌شاه، به تفصیل به انواع خطوط خوش‌نویسی به کاررفته در بخش‌های مختلف در، اشاره کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۷۱-۷۰، ۷۷-۷۶). این امر می‌تواند ناشی از اهمیت جایگاه و مقام شخص اهداکننده، یعنی انیس‌الدوله نزد مؤلف و تلاش او در جهت برجسته نمودن خدمات اهالی سلطنت در نظر خوانندگان این کتاب و نیز آیندگان باشد.

از سوی دیگر، در میان سایر مورخان معاصر اعتمادالسلطنه، میرزا محمدخعفر ملقب به حقایق‌نگار خورموجی (۱۳۰۱-۱۲۳۵ ه.ق.)، در کتاب خود با عنوان نزهت‌الاکابر که درباره



هدایت در رابطه با عمارت "بحر ارم" در بارفروش نیز تنها دوره ساخت و زمان آبادانی آن را بیان کرده است (هدایت، ۱۳۵۶: ۱۴، ۲۱). او در اثر دیگر خود مجموعه روضه الصفای ناصری که در ژانر تاریخ عمومی به نگارش در آورده، صرفاً به ذکر بناهایی که به دستور ناصرالدین شاه و حاجب‌الدوله در این دوران ساخته شده، بسنده نموده است. همچنین، فهرست‌وار ابنیه ساخته شده در زمان فتحعلی شاه را برشمرده است (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۱۰: ۸۱۲-۸۱۱؛ ۱۳۸-۱۳۷). اما به جزئیات ساخت ابنیه و توصیف ویژگی‌های تزئینی آن‌ها توجهی نداشته است.

نادرمیرزا قاجار^{۳۴} نیز در کتاب خود با عنوان تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز که تقریباً هم‌زمان با مطلع‌الشمس به نگارش در آورده، به تشریح و توصیف عمارات و ابنیه تاریخی شهر تبریز پرداخته است. او ذیل عنوان "فی ابنیه القدیمه و الجدیده بها" توصیف بناهای تبریز را با شرحی در باب مسجد جهانشاه (گوگ‌مسجد یا مسجد کبود) با کاربرد تاریخ شفاهی و به استناد نقل قول پسر عمش، مرتضی میرزا، آغاز کرده است. نادرمیرزا در ارائه اطلاعات بناها، بیشتر بر مؤلفه‌های کمی معماری همچون اندازه ارتفاع طاق، صغه، فرش‌انداز، و دور گنبد تأکید داشته است (قاجار، ۱۳۹۸: ۱۶۷-۱۶۴). برخلاف اعتمادالسلطنه که در مطلع‌الشمس از منظری تاریخ‌نگارانه بیشتر اهتمام خویش را در جهت ثبت عین‌به‌عین متون کتیبه‌ها و استخراج اطلاعات تاریخی درباره پیشینه ابنیه و عمارات از آن‌ها مبذول داشته است، به محتوای کتیبه‌ها و ثبت آن‌ها توجهی ننموده است. می‌توان ادعا کرد که در میان مورخان عصر ناصری، اعتمادالسلطنه بیش از سایرین، دغدغه مستندسازی اطلاعات تاریخی را در رابطه با بناها و آثار باستانی ایران داشته است. به عبارتی دقیق‌تر، او در راستای تاریخ‌نگاری هنر ایران با رویکردی نوین در این کتاب گام برداشته است.

تاریخ و جغرافیای منطقه فارس است، ذیل عنوان "بناهای تاریخی شیراز" اشاراتی کوتاه به مساجد، بقاع متبرکه، و مدارس شیراز کرده است. توضیحات ارائه شده از سوی او در باب ابنیه بیشتر کلی است، و صرفاً چنین مؤلفه‌هایی را در بر می‌گیرد: تاریخ ساخت و قدمت بنا، نام بانی، ادوار و افراد ی که بنا را مرمت کرده‌اند، و نهایتاً وضعیت سلامت بنا در زمان مؤلف (خورموجی، ۱۳۹۷: ۷۳-۷۰). مشهود است که خورموجی در این اثر کمتر به ویژگی‌های بصری، و همچنین جزئیات معماری در عمارات و ابنیه تاریخی پرداخته است. در حالی که اعتمادالسلطنه در خلال توصیف بناهای حرم رضوی، به وقایع تاریخی و رویدادهایی که موجبات انجام تزئیناتی چون آینه‌کاری را در بخش‌های مختلف حرم فراهم آورده است، اشاره می‌نماید. فوت امین‌السلطان وزیر دربار ناصرالدین شاه در سفری به مشهد در نزدیکی سبزه‌وار و دفن شدن او در دارالسعاده، از آن جمله است. چنین اتفاقی، سبب انجام تزئینات آینه‌کاری در این مکان به دست فرزند او میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان در جهت شادی روح پدرش شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۰۹).

این بی‌توجهی نسبت به شرح جزئیات ابنیه و اطلاعات مرتبط با تاریخ‌نگاری هنر، در دیگر متون تاریخی به‌نگارش درآمده به دست مورخان معاصر اعتمادالسلطنه نیز مشاهده می‌شود. از آن جمله رضاقلی خان هدایت طبرستانی ملقب به لله باشی (۱۲۸۸-۱۲۱۵ ه.ق.) در سفارت‌نامه خوارزم که به دستور امیر کبیر در شرح سفر خود به این منطقه به نگارش در آورده، در رابطه با آثار تاریخی مسیر، توصیفاتی را ارائه نموده است. چنان‌که در شرح ابنیه مسیر به آوردن مؤلفه‌هایی کلی چون نام بنا، تعداد طبقات و اتاق‌ها، زمان ساخت، و نام بانی اکتفا کرده است. همچنین در اشاره کردن به حجاری تصویر فتحعلی شاه در تنگه واشی ذیل عنوان "چمن واشی"، صرفاً منقور شدن صورت این شاه قاجار را حسب‌الامر خویش در کوه، متذکر شده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با تمرکز بر مجموعه مطلع‌الشمس تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر ایران نزد مؤلف و چگونگی مطالعه ابنیه تاریخی و عمارات شهر مشهد از سوی او، بررسی شد. با مرور این کتاب، مشخص گردید که اعتمادالسلطنه در راستای نگارش تاریخچه شکل‌گیری مشهد و شناخت جغرافیای آن، بیش از همه بر رسانه معماری و هنرهای وابسته به آن متمرکز بوده است؛ چنان‌که در رابطه با بخش‌های مختلف حرم رضوی و نیز سایر ابنیه و مساجد مشهد، به اجزای بنا، تزئینات، مخصوصاً کتیبه‌ها و جزئیات متون مندرج در آن‌ها پرداخته است. همچنین براساس پژوهشی که پیش‌تر نگارندگان در رابطه با اهم تألیفات اعتمادالسلطنه انجام داده‌اند، شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر نزد او در مکتوبات مذکور اعم از توجه به هنرمندان، سکه‌شناسی، و باستان‌شناسی، و اشاره به متون



مرتبط با هنرها بوده است.^{۳۵} با بررسی مقولات مورد تأمل اعتمادالسلطنه، نحوه ارائه، طبقه‌بندی، و استخراج اطلاعات تاریخی از آثار معماری و ابنیه شهر مشهد در مجموعه مطلع الشمس، می‌توان اذعان داشت که سه مؤلفه فوق‌الذکر در این کتاب نیز به‌نوعی مورد توجه او بوده است. چراکه مؤلف، ذیل عنوان "تراجم احوال رجال مشهد مقدس" به شرح درباره خوش‌نویسان خراسان پرداخته است. همچنین، در رابطه با هر یک، اطلاعاتی همچون نام خوش‌نویس و اصل‌ونسب او، نوع خطی که در آن تبحر داشته، فهرست آثار، شهرت و شیوه خوش‌نویسی، نام استاد یا شاگردان و تاریخ مرگش را ارائه داده است. افزون‌بر این در شرح ابنیه و کتیبه‌ها، در صورت مشخص بودن نام هنرمند به خالق آن‌ها اعم از خوش‌نویس یا معمار، اشاره کرده است. در رابطه با "سکه‌شناسی و باستان‌شناسی" نیز مؤلف در پایان این کتاب تصاویری از درهم‌هایی را آورده، که به دستور مأمون خلیفه عباسی به نام و القاب امام رضا (ع) ضرب شده است. اعتمادالسلطنه با استناد به این سکه‌ها به‌عنوان شواهد و مدارکی معتبر، تاریخ شهادت امام رضا (ع) را که بین علما و محدثان محل بحث بوده، متذکر شده است. هر چند بیش از آنکه ویژگی‌های بصری سکه‌ها اعم از نقوش حک شده بر سکه‌ها، تکنیک به‌کاررفته در خلق و جنس‌شان مورد توجه مؤلف باشد، اطلاعات تاریخی و مستند قابل استخراج از آن‌ها مد نظر او بوده است. همچنین در مورد مؤلفه "اشاره به متون مرتبط با هنرها" اگرچه مؤلف به‌طور مستقیم به کتابی در زمینه هنرها اشاره نکرده است، اما اقوال سیاحان، مورخان و جغرافی‌دانان پیش از خود را ذکر کرده است. در تألیفات آنان بعضاً موضوعاتی قابل تأمل در حیطه هنرها و تاریخ‌نگاری هنر ایران وجود داشته است. اعتمادالسلطنه در این کتاب با رویکردی تاریخمند در خلال ارائه کلیاتی در باب پیشینه تاریخی ابنیه و عمارات مشهد، به توصیف اجزای بناها، شرح ویژگی‌های معماری گونه آن‌ها، تزیینات به‌ویژه محتوای کتیبه‌ها پرداخته، و اطلاعات تاریخی قابل تأملی را در این اثر، مستندسازی نموده است. در واقع مؤلف، کتیبه‌ها را به‌منزله کتبی مصور به شمار آورده است. کتاب‌هایی که مشتمل بر مشخصات تاریخی ابنیه اعم از قدمت یا تاریخ مرمت، نام حامی، اسامی هنرمندان، معماران، و خوش‌نویسان می‌باشد. افزون‌بر این، به‌عنوان آثار هنر خوش‌نویسی و کاشی‌کاری ایران، با دقت و حساسیت نوع خط و ویژگی‌های آن اعم از اندازه قلم، خفی و جلی و جنس، رنگ، شکل، و مؤلفه‌های ظاهری آن‌ها را ذکر نموده است. هر چند تمرکز اصلی او بر استخراج، ارائه، و انتقال اطلاعات تاریخی ابنیه و عمارات مشهد به خواننده کتاب، معطوف بوده است. او نهایتاً بر خود واجب دانسته است که واژه به‌واژه محتوای کتیبه‌ها را در کتاب حاضر ثبت کند و در صورت آسیب‌دیدگی برخی از متون کتیبه‌ها، با تحقیق و بررسی بخش‌های پاک‌شده را نیز به متن کتاب اضافه نماید. پس دور از انتظار نیست اگر ادعا شود کتیبه‌ها مانند مستندات مصور، اصلی‌ترین منبع تاریخ‌نگاری هنر ایران نزد اعتمادالسلطنه در مجموعه مطلع الشمس بوده‌اند.

پی‌نوشت

۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه فرزند حاجی علی‌خان حاجب‌الدوله و نوه حسین‌خان مقدم مراغه‌ای است. او در ۲۱ شعبان ۱۲۵۶ ه.ق. در تهران به دنیا آمد و در ۱۹ شوال ۱۳۱۳ ه.ق.، نزدیک به یک ماه پیش‌تر از قتل ناصرالدین‌شاه، از دنیا رفت (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: سیزده).
۲. تاریخ‌نگاری (Historiography) به معنای «نگارش تاریخ» است. تاریخ‌نگاری، از سه جنبه توصیفی، تاریخی، و تحلیلی قابل مطالعه و بررسی است (استنفورد، ۱۳۹۳: ۱۵).
۳. تاریخ‌نگاری محلی عبارت است از توجه به یک مکان جغرافیایی خاص، بررسی و مطالعه یک ناحیه، شهر و روستا جهت نشان دادن جایگاه و پیشینه تاریخی آن مکان در دوره‌های مشخص یا در طی زمان. چنان‌که مطالعات تاریخ محلی در دو حیطه نگرشی صورت می‌گیرد: طولی با تمرکز بر عنصر زمان، و عرضی که دربرگیرنده نگاه جزء‌نگر مورخ و توجه او به جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و گاهی سیاسی آن منطقه خواهد بود (منصوربخت و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۴-۲۳۲).
۴. اعتمادالسلطنه علاوه‌بر مدیریت روزنامه ایران، نشریات دیگری نیز منتشر می‌کرد. دو عنوان از آن‌ها، مرآت‌السفر و اردوی همایون، روزنامه‌های در سفر بودند. روزنامه شرف نیز به‌عنوان دومین نشریه مصور ایران در سال ۱۳۰۰ ه.ق. با مدیریت او منتشر شد (کیان‌فر، ۱۳۸۸: ۲۷۵، ۲۹۳).



۵. این اثر، طبق حروف الفبا حاوی اطلاعات شهرها و روستاهای ایران است. این اطلاعات مشتمل بر جمعیت، نوع معیشت، شرح حال علما، فضلا، و توصیف ابنیه و آثار هنری است. این مجموعه به پایان نرسید و تنها چهار جلد از آن کامل شد. جلد اول و چهارم درباره جغرافیا و جلد دوم و سوم شرح سلطنت ناصرالدین شاه از جلوس او در سال ۱۲۶۴ ه.ق. تا سی امین سال پادشاهی اش یعنی ۱۲۹۴ ه.ق. است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۱: سی و یک).
۶. دانشنامه جغرافیایی نوشته یاقوت حموی جغرافی دان و مورخ عرب زبان قرن هفتم هجری، است. حموی نگارش این اثر را در سال ۶۱۵ ه.ق. آغاز و در ۶۲۱ ه.ق. به پایان رسانده است.
۷. لازم به ذکر است که اعتمادالسلطنه در خلال متن در توصیف کتابخانه بزرگ حرم، اشاره به دسته بندی تفکیکی کتب در گروه های مختلف موضوعی شامل لغت، اشعار عرب، تواریخ و کتب طبیه و حتی جنس چوب و شیشه کتابخانه های سه قسمت آن، کرده است. همچنین متذکر شده که فهرست کتب، قرآن ها و صحیفه های ادعیه که در سال ۱۳۰۰ در دو کتابخانه بزرگ و کوچک موجود بوده، در انتهای این مجلد از کتاب آورده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۲۵-۱۲۴).
۸. واحد اندازه گیری طول در ایران باستان، که معادل ۱۰۴ سانتی متر است.
۹. چنان که شروع کلام فرد را با آوردن " (نام گوینده) گوید" مشخص کرده، و در پایان سخن هر فرد نیز برای تفکیک از نقل قول بعدی از واژه "انتهی" استفاده نموده است. او برای بیان نظرات خود، آن ها را در پراکنش قرار داده و یا در حاشیه متن اشاراتی آورده است. بدین ترتیب، قول خویش را از اقوال سایر مؤلفان مجزا کرده است.
۱۰. اعتمادالسلطنه در مورد قول موسیو فریه در رابطه با وضعیت زراعت اطراف مشهد و آب و هوای آن نواحی، به دیده های خود در طی سفرش در رکاب ناصرالدین شاه به مشهد استناد، و قول غیرصحيح او را اصلاح نموده است؛ یا در مورد تواریخ کتیبه های داخل صحن امام رضا (ع) که موسیو خانیکوف روسی قدمت آن ها را حداکثر به دوران صفویه نسبت داده، این اشتباه تاریخی را داخل پراکنش اصلاح کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۲، ۴۴).
۱۱. در مورد مطالبی که دکتر ارل ریتر آلمانی نگاشته است، چون بیشتر آن ها برگرفته از موسیو فرزر سیاح انگلیسی و کتابش در ۵۳ سال قبل بوده، مؤلف از ذکر مجدد آن ها اجتناب کرده است. مورد دیگر، قصیده ای از دعبل بن علی خزائی است که در "در" شمشادی که در توحیدخانه حرم رضوی است به صورت منبت کتیبه شده است. مؤلف ذکر کرده که به دلیل شهرت این قصیده و بودن آن در کتب مرثیاتی، از آوردن مجدد آن پرهیز کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۸-۳۷؛ ۷۸).
۱۲. به عنوان نمونه، در کتابخانه مبارکه که بخشی از متن کتیبه چهارچوب آن در زیر آینه ناپدید شده و قابل استخراج نبوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۷۸، ۸۷-۸۵).
۱۳. همانند فقدان تاریخ ولادت و وفات سه تن از امامان در مجموعه تاریخ های ولادت و رحلت دوازده امام مذکور در کاشی های معرق صفحه های گنبد اللهوردی خان، که مؤلف گفته است شخصاً با استفاده از تواریخ معتبر این نقصان را جبران نموده و در این کتاب، کامل آورده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۵).
۱۴. جغرافی دان و نقشه نگار ایرانی در قرن چهارم ه.ق. که از آثار مشهور او، مسالک الممالک است.
۱۵. جغرافی دان عرب در قرن چهارم ه.ق. که ساکن بغداد بود و با اقتباس از مسالک الممالک اصطخری، صور الارض یا مسالک الممالک را به نگارش درآورد.
۱۶. ملقب به زکریای قزوینی، جغرافی دان، مورخ و فیلسوف ایرانی در قرن هفتم ه.ق.
۱۷. اعتمادالسلطنه در میان آن ها از ابن خردادبه، ابو عبید بکری اندلسی مؤلف معجم المستعجم، شمس الدین محمد ابن احمد مقدسی، و ابوالفدا نویسنده تقویم البلدان نام برده که در آثار خود به مشهد اشاره ای نکرده اند. همچنین شروح اصطخری در مسالک الممالک، ابوالقاسم بن حوقل در مسالک الممالک، قزوینی در آثار البلاد، و یاقوت حموی در معجم البلدان را ذکر کرده است. براساس آنچه مؤلف از این افراد نقل کرده، مطالب آن ها بیشتر در باب جغرافیای مشهد و ماجرای دفن هارون الرشید در خراسان است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹-۸).
۱۸. نحوه ارائه نقل قول های سیاحانی چون موسیو فرزر در این کتاب بدین گونه است که ابتدا اطلاعات جغرافیایی و حدود شهری و محلات ذکر شده است، سپس به روایاتی در رابطه با زمان ساخت و بنیان روضه امام رضا (ع) در ادوار مختلف اشاره می شود. در ادامه به اجزای تزیینات و بانی هر کدام در صورت مشخص بودن پرداخته شده، و در این رابطه تقدم و تاخر زمان ساخت آثار حرم رعایت شده است. همچنین این سیاح انگلیسی، مدارس مشهد را دسته بندی کرده و به تفکیک، حکایاتی در باب بنیان آن ها و نحوه کسب اموال شان که وقف ساخت این مدارس نموده اند، از جمله مدرسه میرزا جعفر و سعدالدین آورده است.
۱۹. سیاح معروف روسی که مجموعه کتابی در باب جغرافیا داشته و در جلد هفتم آن، به مشهد پرداخته است. او همچنین تحقیقاتی در رابطه با جغرافیا، ادیان، و قبایل ساکن در قفقاز و ترکستان داشته که به سبب آن ها نیز، مشهور بوده است.
۲۰. اعتمادالسلطنه در ابتدای این کتاب ذکر کرده که در سیاحت نامه مشهور تور دومند که خود در اختیار داشته است، شرحی در رابطه با این سیاح آورده شده است. همچنین، مجلس جغرافیای پاریس در سال ۱۸۶۱ م. از خدمات او در رابطه با کشف مسائل جغرافیا و نقاط جدید خراسان تجلیل به عمل آورده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵-۴).



۲۱. شهاب‌الدین عبدالله (یا نوراله) بن لطفاله بن عبدالرشید خوافی معروف به حافظ‌ابرو، تاریخ‌نگار و جغرافی‌دان مشهور ایرانی در عصر تیموری است. او صاحب آثاری در تاریخ اسلام و ایران، به‌ویژه مربوط به دوره تیمور و شاهرخ است.
۲۲. لازم به ذکر است که اعتمادالسلطنه در پایان کتاب در بخش "تاریخ متعلقه به مشهد مقدس" مجدداً به حافظ‌ابرو و قول او در رابطه با زمان مرمت قلعه مشهد و تعمیر گنبد امام رضا (ع) در عصر غزنویان ارجاع داده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۸۲).
۲۳. چنان که در میان نقل قول‌هایی که مؤلف در این کتاب آورده، موسیو فرزر سیاح انگلیسی به تاریخ فرشته ارجاع داده است. لازم به ذکر است که تاریخ فرشته تألیف محمدقاسم هندوشاه استرآبادی است. در این تاریخ، به زبان فارسی به تاریخ عمومی هندوستان از آغاز تا اوایل قرن یازدهم هجری و دوران بابر پرداخته شده است. همچنین موسیو فرزر در اصلاح قول هانویی سیاح انگلیسی در رابطه با زیارتگاه شدن حرم امام رضا (ع) در دوران صفویه به روضه‌الصفای ناصری اثر رضاقلی خان هدایت ارجاع داده است؛ یا رضاقلی خان امیرالشعرا که از امرا و مصنفین معاصر اعتمادالسلطنه بوده است، شرحش را در باب مشهد از روضه‌الصفای ناصری نقل کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۸، ۱۵).
- این موارد به‌خودی‌خود می‌توانند الگوی نگارش مؤلف در مطلع الشمس و استفاده از اقوال دیگر مؤلفان در این کتاب باشند.
۲۴. اعتمادالسلطنه به‌واسطه سمتش به‌عنوان رئیس دارالترجمه همایونی، همواره جدیدترین کتب را از کتابخانه‌های در پاریس سفارش می‌داد تا در دارالترجمه به ترجمه آن‌ها پرداخته شود. او در ابتدای جلد دوم از مطلع الشمس نیز به سیاحت‌نامه تور دومند، و اینکه این کتاب را نزد خود داشته، اشاره کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴).
۲۵. مؤلف روایت رایج مبنی بر ساخت قبه هارونیه توسط اسکندر را رد می‌کند و در اثبات مدعای خود به ذکر روایتی به زبان عربی در باب دفن امام رضا (ع) می‌پردازد. همچنین به حدیثی در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه تألیف شیخ صدوق ارجاع می‌دهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۹).
۲۶. نمونه‌ای از آن، انتساب عمارت چهارم بارگاه امام رضا (ع) به اولجایتو بنا بر مطالب نقل شده در سفرنامه ابن بطوطه و استناد به عملکرد شاهان مختلف در زمینه معماری و ساختن ابنیه تاریخی است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۳-۵۲)، که در ادامه عین قول ابن بطوطه را نیز آورده است.
۲۷. چنان که اعتمادالسلطنه به این امر تلویحاً و در ابتدای کتاب نیز اشاره کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶-۴).
۲۸. شایان ذکر است اعتمادالسلطنه در کتیبه مسجد گوهرشاد به خط بایسنقر میرزا هرچا که خط او نبوده و به دلیل تعمیر، خوش‌نویس دیگری احتمالاً محمد رضا امامی به نگارش کتیبه پرداخته است، برای خواننده روشن نموده از کدام جمله تا کجای متن، خط بایسنقر، و از کجا خط خوش‌نویس دیگری بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۴۰). این امر، دقت نظر مؤلف را نسبت به خالقان آثار نشان می‌دهد.
۲۹. در رابطه با کتیبه‌های در مدرسه سلیمان خان اعتضادالدوله در بخش "تتمیم" کتاب، آنجاکه در کتیبه لقب سلیمان خان "اعتضاد السلطنه" ذکر شده، مؤلف به اشتباه کاتب اشاره و آن را اصلاح نموده است. مورد دیگر نام خیابان "باقطبه" است که اعتمادالسلطنه تردید خود را از صحت این واژه ابراز و از لفظ "مشکوک" استفاده کرده است. نهایتاً حدس خویش را با واژه "باغ تپه" بیان کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۶۲-۲۶۱).

30. Bernard O'kane

31. André Godard

۳۲. گدار در این اثر، علاوه بر ابنیه و آثار تاریخی به نگارگری نیز توجه داشته و بخشی را به شرح "جنگی از تصاویر امرای تیموری هند" که در صندوق شخصی ناصرالدین شاه در کاخ گلستان قرار داشته، اختصاص داده است (گدار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۰-۱۱۱). او به‌همراه آوردن تصاویر نگاره‌های موجود در این مرقع، توصیفی مجمل در باب هر یک نیز ارائه نموده است.

33. Johann Joachim Winckelmann

۳۴. او (۱۳۰۳-۱۲۴۲ ه.ق.) از نوادگان فتحعلی شاه و شاهزادگان اهل قلم و تاریخ‌نویس قاجار بوده است.

۳۵. این پژوهش با عنوان "آگاهی تاریخی از هنر در مکتوبات اعتمادالسلطنه" در شماره پاییز نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی در سال ۱۴۰۱ به چاپ رسیده است. برای اطلاع بیشتر به صفحه ۳۹ مقاله مذکور مراجعه نمایید (غفاری و مازیار، ۱۴۰۱: ۳۹).

فهرست منابع

- استنفورد، مایکل (۱۳۹۳). **درآمدی بر تاریخ پژوهی**. ترجمه مسعود صادقی، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰). **روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه**. تصحیح ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۲). **مطلع الشمس**. جلد ۳-۱، تصحیح محمد پیمان، چاپ اول، تهران: پیشگام.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). **مرآه البلدان**. جلد ۱، تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.



- اوکین، برنارد (۱۳۸۶). معماری تیموری در خراسان. ترجمه علی آخشینی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- خورموجی، محمدخعفر (۱۳۹۷). *نزهت‌الآخبار (تاریخ و جغرافیای فارس)*. تصحیح سیدعلی آل داود، چاپ دوم، تهران: کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۹۴). معرفی آثار شهرنگاری ایالت خراسان در دوره قاجار. *مطالعات اسنادی و آرشیوی*، سال سوم (۳): ۲۶۵-۲۲۶.
- شاکری، رمضانعلی (۱۳۶۱). منابع و مآخذ مشهد و طوس. مشکوه، سال اول (۱): ۲۱۵-۲۰۹.
- صالحی، نصرالله (۱۳۸۰). کتابشناسی توصیفی تاریخ‌های محلی (منابع و متون). کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دوره پنجم (۴۵-۴۴): ۴۷-۱۲.
- غفاری، لیلیا؛ مازبار، امیر (۱۴۰۱). آگاهی تاریخی از هنر در مکتوبات اعتمادالسلطنه. *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، دوره ۲۷ (۳): ۳۹-۴۶.
- قاجار، نادر میرزا (۱۳۹۸). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ دوم، تبریز: آیدین و یانار.
- کیان‌فر، جمشید (۱۳۸۸). مطبوعات دولتی ایران در عصر قاجار. *پیام بهارستان*، سال اول (۳): ۲۹۹-۲۷۳.
- گدار، آندره؛ گدار، پدا و سیرو، ماکسیم (۱۳۷۱). آثار ایران. جلد ۲-۱، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی.
- منصوربخت، قباد؛ عبادی جامخانه، رضا و شعبانی، رضا (۱۳۹۷). بررسی شاخصه‌های نوین تاریخ‌نگاری محلی در آثار اعتمادالسلطنه. *تاریخ‌های محلی ایران*، سال ششم (۲): ۲۵۲-۲۲۹.
- نورائی، مرتضی؛ رجائی، عبدالمهدی (۱۳۹۰). تنوع موضوعات در تاریخ‌نگاری محلی؛ دوره تحقیق قاجار (۱۳۴۴-۱۳۱۰ ق/ ۱۹۲۶-۱۷۹۶ م). *پژوهش‌های تاریخی*، دوره سوم (۴): ۷۲-۵۱.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹). *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*. جلد ۱۰، قم: کتابخانه خیام.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۵۶). *سفارت‌نامه خوارزم*. تصحیح علی حصوری، تهران: کتابخانه طهوری.

Received: 2023/09/14

Accepted: 2024/05/08



Art Historiography and the Method of Architecture Studying in Matla al-Shams

Leila Ghaffari* Amir Maziar**

Abstract

Mohammad Hassan Khan Etimad al-Sultaneh, whose nickname was Sani al-Dawlah, is one of the most famous Historians of the Naseri era. Etimad al-Sultaneh has a New Approach in writing General History and Geography texts, and by conducting researches on the Historical Buildings and Ancient Persian Architectural Works and recording their results in his books and texts, Etimad al-Sultaneh has also played a valuable role in the field of Historiography of Persian Art. Among Etimad al-Sultaneh's writings, which were written in the field of Historical Studies of Buildings and Architectural Works of Iran, *Matla al-Shams* is a three-volume collection which is studied and examined in the present research. Then the purpose of this study is to know and investigate the methods of Historiography of Persian Art used by Etimad al-Sultaneh in this texts and how he has studied the Historical Building and Architectural Works of Mashhad city in this book collection. The research was conducted with a Qualitative Strategy and was done in an Interpretative-Historical Method. Based on the obtained results, in this book collection, in order to write the History of the formation of Mashhad city and to know about its Geographical aspects, Etimad al-Sultaneh has focused above all on the artistic Medium of Architecture, Arts related to the Architecture and also the decorations. He has given a general description of the various parts of the Razavi Shrine and other Buildings and Mosques in Mashhad city, regarding the Building Components, Architectural Features, and especially the Inscriptions and the content contained in those Inscriptions. Also, by examining the Method of Studying Buildings in this book collection, it was found that Etimad al-Sultaneh adopted a Historical Approach and above all sought to extract and document the background of Buildings and Historical Information hidden in their Inscriptions. As Visual Arts Aspects, including the Design, Pattern and Color of Tiling, or inlaid Motifs in the additions of the Building, such as the Pulpits of the Mosques, were of the next importance to Etimad al-Sultaneh in this text. In fact, the author considered the Building and its Inscriptions as illustrated documents that contain Historical Information about places such as mosques and holy shrine in Mashhad city. In this regard, the Inscriptions have been the Main Source of Historiography of Persian Art for Etimad al-Sultaneh in writing the collection of Mala al-Shams.

Key words: Historical Buildings, Persian Architecture, Historiography of Persian Art, Etimad al-Sultaneh, Mala al-Shams.

* PhD Student in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Faculty of Art Studies, Tehran University of Art (Corresponding Author).
ghaffari_l@yahoo.com

** Assistant Professor and Faculty Member of Art Philosophy Department, Faculty of Art Studies, Tehran University of Art.
maziar1356@gmail.com